



روایت میدانی از وخامت اوضاع در سیستان و بلوچستان

اینجا جهادی‌ها دست تنها هستند

شد، کرناوی هندی از جنوب شرق وارد کشور شده و این نمونه جهش یافته تمام استان سیستان و بلوچستان را در بر گرفته است. فقر، بیماری، شکاف، عدم دسترسی به آموزش و... همه بخشی از اخباری است که حول وضعیت استان سیستان و بلوچستان در زمان‌ها منتشر شده و می‌شود. اصلا کافی است که نام این منطقه را جست‌وجو کنید، جز اینها، خیلی مساله امیدوارکننده‌ای از آن منطقه به گوش نمی‌رسد و به

چشم نمی‌آید. اگر این صفحه را قبل تر هم پیگیری کرده باشید، بارها به این موضوع اشاره کرده و نوشته‌ام که سیستم ویلواکستان، ویرترین نارسایی‌ها و محرومیت است؛ ویرترینی که گویا قرار است این طور بماند تا مسئولان جایی برای ثبت تصاویر و فیلم‌هایی برای وعده‌هایشان در یک منطقه محروم و عقب مانده داشته باشند. اگرچه مگر می‌شود در قرن ۲۱، در سال ۱۴۰۰ شمسی، در عصر تکنولوژی، در عصر ارتباطات،

مردم آب برای خوردن، لباس برای پوشیدن، هوا برای نفس کشیدن، پزشک برای مراجعه و معلم و کلاس برای تحصیل نداشته باشند؟ مگر می‌شود هنوز در صف برای گاز و آب و... ایستاد؟ اصلا سهم این محروم‌ترین نقطه از این گزارش‌های پشت‌سر هم مسئولان از افتتاح و گنجشایی و ایجاد و بهره‌برداري‌ها چیست؟ اصلا سهمی دارند؟ اینجا و به بهانه شیوع هولناک کرونا کشنده‌تر آن و مصرتی‌تر هندی در سیستم‌ها و بلوچستان و گسترش آن

در تمام نقاط کشور به علاوه حضور گروه‌های جهادی و مردمی در این منطقه کمی از آنجا و از زبان مردمان آنجا و جهادی‌هایی که خطر سفر و کمک‌رسانی در این شرایط غریب گرونی را به جان خریدند نوشتیم تا مثل تمام چیزهایی که قبل از این نوشته بودیم در گراشیو روزنامه و رسانه کشور خاک بخورد و در بزنگاه‌های خاص و تبلیغاتی توصیفی از یک میزبان‌س خوب برای گرفتن حسن‌های یادگاری باشد.



ابوالقاسم رحمانی

دبیر گروه جامعه

گردوغبار کل استان سیستان و بلوچستان را فرا گرفته است، کم آبی جان مردم سیستان و بلوچستان را به لب‌شان رسانه است، گاندها بار دیگر قربانی گرفتند و کودکی که به نزدیکی هوتک هارفته بود، طعمه گاندها

مردم در تهیه نان شبشان هم مشکل دارند؛ به جای عکس با بطری آب معدنی کار ریشه‌ای انجام شود

که بعضاً با اعتقادی ندارند یا ضعف در حوزه رعایت پروتکل‌ها دارند، در نتیجه این گونه بسیار فراگیر شده است. اگر تعطیلی‌ها زودتر اتفاق می‌افتاد این میزان شیوع در استان‌ها شاهد نبودیم. الان تعطیل شده و فاصله‌گذاری اجتماعی تا حدی انجام شده و بازارها را به حد تعطیل کرده‌اند. اگر دوره پیک بگذرد این شیوع احتمالاً کاهش یابد اما به شرطی که مردم توجه کرده و فاصله‌گذاری‌ها را بیشتر کنند. الان دو هفته استان تعطیل است و باید توجه داشت استان هم استان محرومی است. افراد شغل روزمند داشتند و الان درگیر این مسئله هستند که حتی هیچ چیزی ندارند که بخورند. بعضاً مردم در خوردن این مسئله دارند. من داخل روستاها رفته‌ام، ما به مددجویان امداد ارتباط داشتیم، بعضاً افرادی را داریم که جمعیت آنها زیاد است و نان ندارند بخورند. فرستادن بسته‌های ارزاق و تامین و غذای آب و گوشت بیشتر از آب و سایر موضوعاتی که دوستان اینجا پیگیری می‌کنند، دارد. من فکر می‌کنم در حوزه آب کمین‌ها را به سمت کار بزرگ‌تری سوق دهیم، یعنی شاید ۱۳-۱۲ میلیارد تومان بتوان یک آب‌شیرین کن احداث کرد. ما میلیاردها تومان خرج آب‌معدنی و مخازن آب می‌کنیم که کار ماندگاری نیست. هر آب‌معدنی چقدر از درد مردم را کم می‌کند؟ آورده اجتماعی برای کسی که عکس گرفته بالاتر است. به نظر من تلاش‌هایی که دلسوزانه انجام می‌دهند، را به این سمت سوق دهیم که کار اثرگذار و بنیادین درستی در حوزه آب انجام دهیم که واقعا بحران ایجاد کرده است. در موضوع کرونا هم موضوع غذا و بسته‌های ارزاق را به سایر مسائل اولویت دهیم. کسی که داخل خانه است نیاز به غذا دارد ولی همه‌جا تعطیل است. استان‌های به‌مدت‌مدت به تدریج به مشکل برمی‌خورد. هرچقدر به مناطق محروم‌تر می‌روید وقتی گردش پول نیست و اثر انجام نمی‌شود بسته‌های اقلام که منطقه به هم می‌ریزد. اینکه بتوانیم تهیه بسته‌های ارزاق را بر دوش استان قرار دهیم قطعاً اتفاقات بهتری می‌افتد.»

مصطفی فروتن از نیروهای جهادی قرارگاه جهادی امام رضا (ع) که در سیستان و بلوچستان است، در تشریح وضعیت منطقه و اقدامات نیروهای جهادی به «فرهیختگان» گفت: «بحران‌هایی که درخصوص آب و کرونا و... در سیستان و بلوچستان وجود دارد، واقعی است. مردم به شدت تحت فشار هستند. این امر فراگیر شده و مردم را ترسانده است، خشکسالی شدید است، حق آبه هرمند چندین سال عملاً از سوی افغانستان قطع شده و بارش‌ها کم بوده و همگی دست به دست هم داده موضوع کم آبی هم به بحران بزرگ اضافه شود. بحران کم آبی با بطری‌های آب و مخزن آوردن و عکس گرفتن، حل نمی‌شود و سیرتخطای دل را خنک می‌کند. این فضای مدیریت بحران‌ها می‌تواند به ساماندهی می‌شود و هرمندران و روزشکاران و سلب‌ریتی‌ها و کسانی که اعتبار اجتماعی دارند حتی به‌جای خودی به جای اینکه هریک ساختار و قالبی برای ایجاد پیدا کنند، قالب مدیریت بحرانی که در کشور نداریم را ایجاد کنند، وضع رسیدگی خیلی خوب خواهد شد. ما اصلاً مدیریت بحران داخل کشور نداریم، آن هم مدیریت عاقلی که بگوید الان بحران سیستان و بلوچستان این است که آب شیرین کن داخل منطقه بیابوریم، اگر قرار است امکانات و پول و منابع تجمع شود باید در حوزه تصفیه آب وارد شویم، کشورهای حاشیه خلیج فارس جز آب شور دریا چیز دیگری دارند که از آن استفاده کنند؟ ما هم امکانات و هم ظرفیت و هم طول نوار مرزی بیشتری داریم، نمی‌توانیم یک استان خود را در موضوع بحران آلوده کنیم؟ آدم‌های صاحب شبکه‌های اجتماعی از بحران‌ها استفاده می‌کنند تا دامنه شبکه اجتماعی خود را بخواهند یا به‌خواستگاسته گسترده‌تر کنند. در موضوع کرونا هم آیدیت می‌شوند و هم خیلی فراگیر شده است. به نظر می‌رسد اگر زودتر استان را تعطیل کرده و فاصله‌گذاری اجتماعی می‌کردند، وضعیت آنقدر آسان نمی‌شد. حقیقتاً میزان رعایت پروتکل‌های بهداشتی در این استان ضعیف است، آنچه در استان می‌بینیم این است

تغسیل، تدفین و کمک به کادر درمان

کارویژه نیروهای جهادی

فروتن ادامه داد: «در زاهدان جمعی از بچه‌های جهادی و گروه‌های جهادی دیگری که خود مستقل عمل می‌کنند، کارهای زیادی را برعهده دارند. یکباره تعداد اموات در استان زیاد می‌شود و چون جمعیت زیاد است و سرخانخانه پر است، در تغسیل اموات مشکل دارند، در کادر درمانی به شدت کم و مشکل خوددهان، بچه‌های جهادی در تغسیل اموات و کمک به کادر درمان یعنی حوزه‌های کار پرستاری به قدر ضرورت کردند. کار خطرناکی است و هرکسی جرات انجام این کار ندارد. تعدادی از بچه‌های جهادی آمده‌اند و در خط مقدم کنار کادر درمان ایستاده‌اند، هم در تغسیل اموات و تدفین کار می‌کنند و هم در توزیع بسته‌های ارزاق و شناسایی محرومانی که شرایط اورژانس دارند، فعالیت می‌کنند. الان در این شرایط کار خاص دیگری از دست گروه‌های جهادی برنمی‌آید. همین تعدادی که با این شرایط کنونی به سمت استان آمده‌اند قادرند رسانی دارد. وقتی به استان می‌روید هم ممکن است شما آسیب ببینید و هم به سایر استان‌ها منتقل کنید ولی بچه‌ها را به دریا زده‌اند و آمده‌اند و این سه موضوعی که خاص هستند، کار ویژه‌ای است که بچه‌ها در این روزها در استان انجام می‌دهند.»

داروهای رایگان ستاد اجرایی را به مردم می‌فروشند!

بعد از این با مصطفی میرحسینی از مسئولان یکی از گروه‌های جهادی حاضر در منطقه و فعالان استانی سیستم پیلوچستان زد پیم و او در ارتباط با آنچه در منطقه می‌گذرد، آنچه گروه‌های مردمی و جهادی انجام داده و می‌دهند و شبکه مسائل موجود به فرهیختگان، گفت: «از یک هفته قبل از شروع پیک، تقریباً از روز و شششنبه دو هفته پیش، اوضاع زاهدان با خراب دیدیم و تحقیقات میدانی حاکی از این بود که اتفاقات عادی نیست. یک‌سری تماس با مسئولان استان گرفتیم و اتفاقات را تشریح کردیم. ولی متأسفانه یک‌سری ناهماهنگی‌ها وجود داشت و آن طور که انتظار می‌رفت آمادگی وجود نداشت. روز چهارشنبه هفته گذشته جلسه شد تا در نهایت به برقرار کردیم و دوستان جهادی و موسسات خبری و فرهنگی که در استان حرفی برای گفتن داشتند را خواستیم و مشکلات را تشریح کردیم که به نظر می‌رسد اتفاقات ناخوشایندی پیش‌رو است. از این حیث می‌تواند همانند اربعین ستاد مردمی برپا شود. در روزهای اربعین ستاد مردمی برای زائران پاکستانی برگزار کردیم و آخرین سالی که این توفیق را داشتیم که از زائران پاکستان پذیرایی کنیم، ۱۳۷۲ زائر داشتیم. تقریباً همان ستاد را بلند کردیم و پرچم‌ها را گذاشتند و زیر پرچم ستاد مردمی آمدند. همچنین با استانداری و علوم پزشکی و... جلساتی برگزار کردیم. همه این دوستان نیز حضور داشتند و یک‌سری ظرفیت‌ها را نمی‌دانستند و آگاه‌سازی شد و نقطه‌ضعف‌ها را شناسایی کردیم و در نهایت به ۸ گام برنامه برای کردیم. بحث اولی که تفریات کردیم در حوزه اطلاع‌رسانی به مردم بود و نه‌باید در محرم بیرون از خانه نایند و اگر بایستند تغذیه می‌دهند. در تمام شهرستان‌ها این آگاهی‌بخشی انجام شد. یک حوزه گروه‌های جهادی بودند که در بیمارستان‌ها به کادر درمان کمک می‌کنند. یک گروه از بچه‌ها پزشکی تشکیل دادند و در خانه‌ها افراد را شناسایی کردند. دنبال این ظرفیت که فقط آن کسی که علامت دارد را شناسایی کنیم بلکه آنهایی که علامت ندارند را هم شناسایی کردیم. حاشیه شهر زاهدان ۴۰۰ هزار نفر جمعیت دارد. این محدوده در به ۲۰۰ پلوک تقسیم کردیم و به بچه‌ها گفتیم که برای شناسایی بروند. بعد از شناسایی بچه‌ها سراغ آنها رفتند و چون از نظر مالی وضعیت خوبی نداشتند کمک کردیم در بحث سرم و دارو... جلو برویم. این افراد اگر ستاد نروند بیمارستان هم نمی‌روند. سویی که برای درمان کرونا تجویز شده غذای گرم و ماسک بگیرن از افراد توزیع کردیم. یک گروهی از پشتیبانی خودرویی در نظر گرفتیم. ستاد مردمی شد مردم پای کار آمدند و خواندیم به برکت داده تا تا این اشتیاق مدیریت شود. رفتار دیگر این بود که شبکه پشتیبانی بابت این کارها زدیم. این شبکه پشتیبانی روی این متمرکز شد که سبب می‌شود به اینهایی که شناسایی می‌شوند- همان کسانی که بضاعت مالی ندارند- داده شود و هم

امیدوار به مردم

محمد هادی طهرانی مقدم، مدیرعامل خانه مطبوعات سیستان و بلوچستان دیگر فرد حاضر در مناطق درگیر، بی‌آبی و کرنا بود که در توصیف وضعیت استان به «فهریختگان» گفت: «سیستان و بلوچستان از عقب ماندگی تاریخی در کنار استعداد های درخشان و ذخایر غنی و وعده های دولت ها به این خطه از کشور رنج می برد و در کنار آن نماندن نخبگان در استان، بی انگیزگی و یکنواختی مدیریت مدیران در استان از طرفی نگاه قومی و قبیله ای حاکم در منطقه و مهم تر عدم انعکاس واقعیت های استان به مرکزیت کشور از دیگر سوا جمله عوامل عقب ماندگی و محرومیت و صدا بلند نه مطبوعیت سیستان و بلوچستان است. البته بنده خیلی ندارم که این استان محروم است بلکه اعتقاد دارم محرومیت های این منطقه عارض شده و دنبال آن به موارد فوق اشاره کردم گر خورده است. آنچه ضرورت جدی برای تغییر اساسی در این خطه است، نیاز جدی استان به عمران و آبادانی است؛ دوری از تعصبات قومی و مذهبی و نگاه دلسوزانه به شایسته سالاری و استفاده از مدیران توانمند با اولویت نیروهای بومی. گاهی با وجود همه اقدامات و خدمات خوب صورت گرفته در سیستان و بلوچستان باز هم نگاه منفی و نارضایتی اجتماعی بین مردم وجود دارد، به صورت مثال در همین بحران اخیر کرنا مسئولان کشوری مثل نمکی عنوان می کنند که در سیستان و بلوچستان تخت های خالی الی ماشاء الله وجود دارد. از طرفی اگر ارسال گزارش های گریوواقع به نمکی از استان به مرکزیت را که در بالا اشاره کردم یکی از چالش های جدی استان است کنار بگیریم باید به دنبال ریشه یابی مساله بود. تخت ها خالی است اگر خالی هست بیمار کرونایی چرا از اورژانس به بخش های منتقل نمی شود؟ اگر درجه است می شود چرا کمترین نیاز یک بیمار که سیستم تهویه در شرایط حادثه استان و دمای نزدیک به ۵۰ درجه است، مهیا نیست؟ چرا همراهان بیماران از کاهش میزان اکسیژن گلایه مندند؟ چرا رسانه ها که وظیفه ذاتی آنها مطالبه یق از مسئولان است به سیاسی کاری و سیاه نمایی متهم می شوند؟ چرا نمایندگان همین مردم جز یک نماینده که مستقیماً به حوزه بهداشت و سلامت مرتبط است منتقد این وضع اسف بار هستند؟ چرا کادر درمان اگر مطلبی را به رسانه ها منتقل می کنند باید تحت فشار قرار بگیرند و از مطالبه شان با پس بکشند؟ عدم انعکاس دقیق واقعیت ها و از طرفی عدم اعتماد مردم به همین سیستم مدیریتی خود به خود اگر بپذیریم که سیستم دارای تخت های خالی است که تعریف تخت هم خودش جای بررسی دارد یکی از دلایل همین عدم اعتمادها به سیستم های بهداشتی درون استان است. هزینه های گزاف با توجه به سطح ضعیف درآمد مردم این منطقه به هم خالی شدن تخت ها را تشدید می کند. در کنار این وجود خادمان مردم فطلف و سابقه درخشان خدمات سپاه و بسیج و گروه های جهادی باره ای از امید در دل مردم منطقه ایجاد کرده و تنها امیدشان را به سمت این عزیزان دارند.»